



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد



۲۰۲۳/۰۵/۲۱

محمد مُجق

ملت یا امت؟ دعوی حقا به و تناقض داعیه‌ها

در ایران و افغانستان دو رژیم به ظاهر خالصاً اسلامی حاکمیت دارند. یکی از داعیه‌هایی که هر دو می‌کوشند مشروعیت خود را با آن پیوند بزنند مقوله "امت اسلامی" است. این دو رژیم مانند سایر گروه‌هایی که اسلام را ابزار رسیدن به قدرت سیاسی کرده و به نام اسلام سیاسی شناخته می‌شوند، با فریب ساختن مقوله امت وانمود می‌کنند که دغدغه‌های آن‌ها از مرزهای رسمی فراتر رفته و به همه مسلمانان دنیا می‌رسد.

رژیم ایران از سال‌هاست که خود را پدروخوانده فلسطینی‌ها، یمنی‌ها، عراقی‌ها، لبنانی‌ها، سوری‌ها و سایر گروه‌های وابسته به پول‌های نفتی‌اش وانمود می‌کند و به جای سر و سامان دادن به زندگی شهروندان کشورش که از انواع تبعیض، فشار و محرومیت رنج می‌برند، سرمایه‌های آن کشور را در جنگ‌های نیابتی منطقه به مصرف می‌رساند تا قدرت گروه حاکم چند برابر گردد. در افغانستان، طالبان به جای تن دادن به منافع ملی و رسیدن به تفاهمی با سایر نیروها و اقوام کشور جهت اعاده ثبات و استقرار کامل سیاسی و امنیتی، شبکه روابط خود را از سپاه قدس ایران تا گروه‌های جنگجویی مانند طالبان پاکستان، القاعده، انصار الله و بقیه گسترده کرده است. در هر دو کشور رویکردی حاکم است که حاکمان را قوی‌تر و مردمان این کشورها را ضعیف‌تر و در مانده تر می‌کند، و تمام این‌ها زیر پوشش و شعار ایدئولوژیک منافع امت قرار می‌گیرد که در تقابل با منافع ملت است.

دعوی تبلیغاتی‌ای که این روزها میان حاکمان ایران و گروه طالبان به راه افتاده و عواقبش به زیان مردمان هر دو کشور است، پرده از ناکامی رویکرد های ایدئولوژیک و بی‌معنایی آن‌ها بر می‌دارد. این دعوا نشان می‌دهد که چیزی به نام "امت اسلامی" به معنای یک کیان حقوقی با مرزهای مفهومی مشخص و دارای لوازم و تبعات قانونی، توهم محض و بلکه یک دروغ بزرگ است. امت اسلامی مقوله‌ای اخلاقی است که فاقد هر گونه الزام و اجبار حقوقی است و کارکرد عملی چندانی ندارد. فعالان اسلام سیاسی که سواد کافی برای درک و تفکیک این مفاهیم را ندارند نزدیک به یک قرن است که این توهم را به مردم می‌فروشند. در اثر آن، ملیون‌ها تن از اعضای حزب تحریر، اخوان، القاعده، داعش، طالبان، حزب الله و بقیه با دل‌خوش کردن به این توهم در خدمت پروژه‌های سیاسی دیگران قرار می‌گیرند بدون این‌که به ملت‌های خود خدمتی بکنند. ملت اما به عکس، مقوله‌ای حقوقی است که با تعریفی روشن در دنیای امروز مبنای تعامل کشورها و نظم بین‌الملل شده است.

تناقض امت و ملت در کار گروه‌های بنیادگرا از امروز نیست. در هنگام اشغال کویت از سوی رژیم صدام حسین، اخوانی‌های عرب به دو جبهه متخاصم تبدیل شدند، بخشی که منافع خود را در اشغال می‌دیدند به کنار صدام ایستادند و بخشی که منافع‌شان با این کار به خطر افتاده بود از حمله آمریکا بر صدام حمایت کردند. در سوریه نیز هنگامی که رژیم سکولار آن کشور نخست با اخوانی‌ها و سپس با القاعده درگیر شد رژیم بنیادگرای ایران به مصاف بنیادگرایان و به حمایت رژیم رفت. همین تناقض را می‌توان در مورد حمایت از مسلمانان اویغور، کشمیر، لیبیا، و ده‌ها قضیه دیگر دید که هر یک از این حکومت‌ها و سازمان‌ها نه بر پایه اعتقادات، بلکه بر پایه منافع خود عمل می‌کنند، اما هنگام فریب مردم و کسب پایگاه میان جوانان احساساتی شعارهایی مانند امت اسلامی را سر می‌دهند. طالبان و ایران نیز اکنون با دعوی حقا به، بر روی مرز این تناقض در حال رجزخوانی‌اند و آهنگ ناکامی و ناکارآمدی مقوله امت را می‌نوازند. شوربختانه در این بخش از جهان، شمع عقلانیت در برابر توفان ایدئولوژی‌ها از نفس افتاده و درک این قضایای ساده را دشوار ساخته است.

د پانو شمیره: له 1 تر 1

افغان جرمن آنلاین په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی